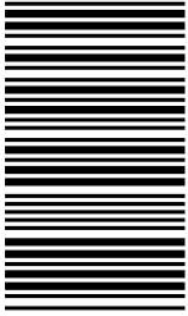


کد کنترل

301

B



301B

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه متمرکز) - سال ۱۴۰۰

دفترچه شماره (۱)

صبح جمعه

۹۹/۱۲/۱۵



«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.»
امام خمینی (ره)

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

رشته زبان و ادبیات فارسی - (کد ۲۱۰۱)

مدت پاسخ گویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۱۰۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: - کلیات ادبی (تاریخ ادبیات، دستور، عروض و قافیه، نقد و نظریه های ادبی معاصر) - متون نظم و نثر - زبان عربی - متون نظم - متون نثر - بلاغت	۱۰۰	۱	۱۰۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخنامه ام را تأیید می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو التعريب أو المفهوم (۱-۹)

۱- عین الصحيح:

- ۱) ﴿ اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴾: تقوای خدا پیشه کنید و هنگام سخن گفتارتان محکم و استوار باشد!
 - ۲) ﴿ إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ﴾: ما آسمانهای دنیا را با زینت ستارگان آراستیم!
 - ۳) ﴿ فتمثل لها بشرًا سويًّا ﴾: انسان راست قامتی برای او نمایان شد!
 - ۴) ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا ﴾: بی شک قرآنی عربی نازل کردیم!
- ۲- « تَوَمَّلْ أَنْ أُوبَ لَهَا بِنَهَبٍ وَ لَمْ تَعْلَمْ بِأَنَّ السَّهْمَ صَابَأُ! »:
- ۱) امیدوار است که همراه غنایم نزد او بازگردد و نمی‌داند که تیر در من کارگر افتاده است!
 - ۲) آرزوی وی اینست که برای او با غارتی بیایم و حال اینکه نمی‌داند تیر او به هدف خورده است!
 - ۳) به خود امیدواری می‌دهد که رجعت من همراه غنایم باشد ولی خبر ندارد که تیرها از کار افتاده است!
 - ۴) بازگشت من با دستان پر برای او از جمله احلام وی است در حالی که خبر ندارد تیری مرا هدف قرار داده است!
- ۳- « يَنْبَغِي أَنْ لَا نَعْلُقَ أَهْمِيَّةَ تَارِيخِيَّةٍ وَاسِعَةً عَلَى قِصَصِ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ الَّتِي ذَكَرْتَ فِي الْأَغَانِي، فَإِنَّ الرِّوَاةَ حَرَفُوا فِيهَا كَثِيرًا! »:
- ۱) برای قصه‌های جاهلی که در کتاب الأغانی آمده است نباید اهمیت تاریخی زیادی قائل شویم، زیرا روایان بسیاری در آنها تحریف کرده‌اند!
 - ۲) قصه‌های جاهلی را که در کتاب الأغانی آمده است نباید اهمیت تاریخی زیادی قائل شویم، زیرا روایان در بسیاری از آنها تحریف کرده‌اند!
 - ۳) شایسته است که داستانهای دوره جاهلی اغانی را شرح و تفسیر تاریخی نکنیم، به جهت اینکه روایان تاریخ به انحرافات بسیاری در آنها پرداخته‌اند!
 - ۴) برای داستانهای دوره جاهلی که در کتاب اغانی ذکر شده نباید اهمیت تاریخی گسترده‌ای قائل شویم، چه روایان در بسیاری از آنها تحریف کرده‌اند!

۴- « إنَّ أهمیته لا ترجع إلى أنه كان كاتبًا من کتاب الدّواوین و إنّما ترجع إلى أنه كان مترجمًا و حاول أن ینقل إلى العربیة خیر ما عرفه فی الفارسیة! »:

- ۱) جایگاه والایی که او از آن برخوردار است بخاطر این نیست که نویسنده دیوان بود، بلکه به این خاطر است که او مترجمی بود که بهترین چیزهایی را که در زبان فارسی می‌یافت به عربی منتقل می‌کرد!
- ۲) اهمیت او به این مربوط نمی‌شود که نویسنده‌ای از کاتبان دیوانهای دولتی بود، بلکه به این مربوط می‌شود که او مترجم بود، و سعی کرد بهترین چیزی را که در فارسی می‌شناخت به عربی منتقل کند!
- ۳) اهمیتی که او در زبان عربی دارد به دلیل نویسندگی وی در دیوان نیست، زیرا او مترجم هم بود و سعی داشت همه چیزهای مفیدی که در زبان فارسی وجود داشت به عربی ترجمه کند!
- ۴) وی که نویسنده‌ای از کاتبان دربار بود از اهمیت بسیاری برخوردار است، فقط به این دلیل که هر آنچه را در زبان فارسی مفید می‌دید وارد زبان عربی می‌کرد!

۵- « لیس من الصّواب اعتبار الشّعر الحرّ فی ایران من مستوردات الغرب، فإنّه فی الحقیقة استمرار للشّعر التّقلیدی و لکنه بثوب جدید! »:

- ۱) این درست نیست که شعر آزاد اعتبار و اهمیت خود را از غرب گرفته است، چه آن در حقیقت شعر سنتی فارسی است با شکلی نو!
- ۲) صواب نیست که شعر نو را از صادرات غربیان به ایران بدانیم، زیرا آن واقعاً همان شعر تقلیدی فارسی است با شکلی جدید!
- ۳) صحیح نیست که شعر آزاد را در ایران از واردات غرب بشمار آوریم، چه آن در حقیقت ادامه شعر سنتی است اما با جامه‌ای نو!
- ۴) نباید اعتبار شعر نو را در ایران از واردات غرب پنداشت، زیرا در واقع آن استمرار شعر کهن است با جامه‌ای جدید!

۶- « والشّیب ینهض بالشّباب كأنّه لیل یصبح بجانب نهار! ». الأقرّب من معنی البیت:

- ۱) مرا برف باریده بر پر زاغ
 - ۲) شادی مکن از زادن و شیون مکن بر مرگ
 - ۳) فلا جزع إن فرّق الدّهر بیننا
 - ۴) ینال الفتی فی عیشه و هو جاهل
- نشاید چو بلبل تماشای باغ!
زین گونه بسی آمد و زین گونه بسی رفت!
و کلّ فتی یومًا به الدّهر فاجع!
و یکدی الفتی فی دهره و هو عالم!

۷- « رأیت حیاة المرء ترخص قدره فإن مات أغلته المنايا الطوائح! »:

- ۱) هلك امرؤ لم یعرف قدره!
- ۲) ما مرده پرستیم و دشمن جان!
- ۳) الموت فی حیاتکم المقهورین!
- ۴) مرگ شتری است که در هر خانه‌ای می‌خوابد!

٨- «قدیمترین نمونه‌های نثر موجود که به زبان فارسی تصنیف شده نشان می‌دهد که نثر فارسی هم مثل شعر فارسی، قدیمترین نمونه‌هایش اسلامی است!»:

(١) أقدم نماذج للنثر المصنّف باللّغة الفارسیة يدلّ علی أنّ النّثر الفارسی أقدم نماذجه كما هو فی الشعر الإسلاميّ أيضاً!

(٢) أقدم النّماذج الموجودة للنّثر الفارسی والمصنّفة بهذه اللّغة هی الأخری تدلّ علی أنّها إسلامیة كالشعر الفارسی!

(٣) إنّ أقدم النّماذج المصنّفة باللّغة الفارسیة هی الأخری تدلّ علی أنّ النثر الفارسی حاله حال الشعر الفارسی إسلامیّ أيضاً!

(٤) إنّ أقدم نماذج النّثر الموجودة و المصنّفة باللّغة الفارسیة تدلّ علی أنّ أقدم نماذج النّثر الفارسی هی كالشعر الفارسی إسلامیة أيضاً!

٩- «خشونت ویرانگر می‌تواند مانع عملی شدن هرگونه آرامش و امنیت شود، بخصوص اگر نیروهای ویرانگر، پنهان و آشکارا به اهداف خود جامعه عمل بیوشانند!»:

(١) العنف المدمّر من شأنه أن یقضي علی كلّ ما یمكن تحقیقه من استقرار أو أمن، خصوصاً إذا بقيت القوى المدمّرة تعمل فی أهدافها فی الخفاء و العلن!

(٢) إنّ العنف مدمّر یمكن له أن یزیل كلّ ما یمكن فی وجوده من الاستقرار أو الأمنیة، خاصّة إن تبقي القدرات المدمّرة تقوم بأعمالها و أهدافها خفیة و علنیاً!

(٣) إنّ التعسّف المهلك یستطیع أن یحوّ كلّ ما یمكن أن یحقّق من الاستقرار أو الأمنیة، و لا سیّما فی حال بقيت المدمّرات تعمل علنیاً و غیر علنیاً لأهدافها!

(٤) التعسّف المهلك شأنه أن یقضي علی جمیع ما یجوز عمله من استقرار أو أمن، علی الخصوص إن بقيت القوآت المدمّرة تقوم بالعمل عند الخفاء و العلن!

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشکیل (١٠ و ١١)

١٠- عین الخطأ:

(١) یا بُنّی اجعلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِیما بَینَكَ و بَینَ غَیرِكَ،

(٢) فأحِبِّ لِغَیرِكَ ما تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، و اكرهْ لَهُ ما تُكرهْ لَهَا،

(٣) و لا تُظَلِّمْ كَمَا لا تُحِبُّ أَنْ تُظَلَّمَ، و أحسنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ یُحسَنَ إِلَیكَ،

(٤) و استقبِحْ من نَفْسِكَ ما تَسْتقبِحُ من غَیرِكَ، و ارضَ مِنَ النّاسِ بما ترَضاهُ لَهُم من نَفْسِكَ!

١١- عین الخطأ:

- (١) إِنَّ أَصْحَابَ الْمَصَالِحِ وَالْمَآرِبِ وَالْمُتَطَلِّعِينَ إِلَى السُّلْطَةِ، لَا يَجِدُونَ أَيَّ سَبِيلٍ،
- (٢) إِلَى الْوُصُولِ إِلَى هَذِهِ التَّطَلُّعَاتِ إِلَّا عَبْرَ اسْتِلابِ الْوَأَقَعِ،
- (٣) بَعْضِ خُصُوصِيَّاتِهِ وَالتَّقْمُصُ بِرَدَاءِ الشَّرْعِيَّةِ، وَهَذَا لَا يَكُونُ إِلَّا،
- (٤) مِنْ خِلَالِ اسْتِبعادِ الشَّرْعِيَّةِ وَاتِّبَاعِ سِيَّاسَةِ التَّفْرِيقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ أبنَاءِ الْأُمَّةِ الْوَاحِدَةِ!

■ ■ عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (١٢-١٥)

١٢- ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي، فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ عین الخطأ:

- (١) دعان: فعل ماضٍ، معتل و ناقص (إعلاله بالقلب)، والنون حرف وقاية، مفعوله ضمير الياء المحذوف
- (٢) الداع: مشتق و اسم فاعل (مصدره: دعوة)، معرب و صحيح الآخر و مضاف إليه و مجرور بالكسر
- (٣) إذا (الأولى): اسم غير متصرف و لازم الإضافة، من أدوات الشرط غير الجازمة، و منصوب محلاً على أنه مفعول فيه للزمان
- (٤) أُجِيبُ: مضارع للمتكلم وحده من باب إفعال، معتل و أجوف (إعلاله بالإسكان و القلب)، فاعله الضمير المستتر

١٣- «و لَا تُضَيِّعَنَّ حَقَّ أَخِيكَ اِتِّكَالًا عَلَى مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ، فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مِنْ أَضَعْتَ حَقَّهُ!». عین الخطأ:

- (١) تُضَيِّعَنَّ: فعل مضارع من باب تفعيل، مبني على الفتح لوجود نون التوكيد و مجزوم محلاً بحرف «لا» الناهية
- (٢) اِتِّكَالًا: مصدر من باب افتعال، و فيه إبدال الواو تاءً، و مفعول لأجله و منصوب و عامله فعل «تضيعن»
- (٣) لَيْسَ: فعل جامد من الأفعال الناقصة، اسمه «من» الموصولة، و خبره الجار و المجرور «لك» المقدم على اسمه
- (٤) أَخٍ: من الأسماء الخمسة و مجرور لفظاً بالكسرة بحرف الباء الزائدة، و في محل نصب بأنه خبر مفرد لفعل «ليس» الناقص

- ١٤- « قُمْ املاً و اسقني كأساً و دَع ما فيه مسموماً أما أنت الذي تَسقي؟ فعينُ السَّمِّ ترياقي!». عَيْنُ الخَطَأِ:
- (١) أنت: ضمير منفصل مرفوع، و اسم لحرف «ما» من أخوات «ليس» و خبره المفرد «الذي» في محلّ نصب، و الجملة اسمية
- (٢) دَع: فعل أمر، معتل و مثال (له الإعلال بالحذف)، متعدّد و مفعوله الموصول «ما»، و هو عامل للحال المفردة «مسموماً»
- (٣) كأساً: اسم جامد، متنازع فيه و منصوب على أنّه مفعول به للعامل الأوّل (املاً) لسببه أو مفعول به ثانٍ للعامل الثاني (اسق) لقربه
- (٤) الذي: اسم موصول خاصّ أو مختصّ، و نعت مرفوع محلاً بالتبعية للمنعوت «أنت»، و صلته فعل «تسقي» و عائدها الضمير المستتر
- ١٥- « أخذ هذا الشاعر يُنشد شعره أمام الحضور!». عَيْنُ الصّحيح:
- (١) الشاعر: مشتق و اسم فاعل - معرّف بأل - معرب - صحيح الآخر - منصرف / مضاف إليه و مجرور
- (٢) يُنشد: مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل منصوب لفظاً لأنّه خبر لفعل «أخذ»
- (٣) الحضور: اسم - جامد و مصدر - معرّف بأل - معرب - صحيح الآخر - منصرف / مضاف إليه و مجرور
- (٤) أخذ: ماضٍ - صحيح و مهموز الفاء - مبني / فعل من أفعال المقاربة للشروع و اسمه «هذا» و خبره الجملة الفعلية « ينشد...»

■ ■ عَيْنُ المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (١٦-٢٠)

- ١٦- عَيْنُ الصّحيح عن إعلال «تَرْضِيَنَّ» للمخاطبة و للمخاطبات:
- (١) دون الإعلال / إعلال بالقلب
- (٢) إعلال بالحذف / دون الإعلال
- (٣) إعلال بالقلب / إعلال بالإسكان
- (٤) إعلال بالحذف / إعلال بالإسكان
- ١٧- عَيْنُ عائد الصلة ضميراً بارزاً:
- (١) هي الدنيا، من رفعت إرتفع!
- (٢) أين جاري الذي كان رفيق أيامي!
- (٣) العاقل هو الذي يتعظ بأمثولات الدهر!
- (٤) اقرأ البيتين اللذين قد جاءا في هذه الصفحة!

۱۸- عین المنصوب من باب الاختصاص:

- ۱) هم الأفاضل لا يعدون شيئاً إلا أن يقوموا بإنجاز وعدهم!
- ۲) نحن الطلاب نهتم بقراءة دروسنا طول الفصل الدراسي!
- ۳) نحن الذين ندرس و نطالع مع بعض كي نفهم الدروس الجديدة!
- ۴) هم التلامذة الذين يسرهم كسب العلم أكثر من الدرجة الممتازة!

۱۹- عین ما يجوز فيه تقديم الحال:

- ۱) زميلي ناجح ساعياً!
- ۲) هو صديقي مجتهداً!
- ۳) ما أحسن الطالب ساعياً!
- ۴) لا تعثوا في الأرض مفسدين!

۲۰- عین البذل «كل من كل»:

- ۱) صدمته رجله سيارة كانت تعبر الشارع بسرعة!
- ۲) أراد المعلم أن يمتحن الطلبة نشطاءهم!
- ۳) إن الإنسان ستبليه أسباب الردى المنيا!
- ۴) لي أخ ازداد هو قلبه إيماناً!

۲۱- بیت‌های زیر در سرگذشت کدام پادشاه شاهنامه آمده است؟

- | | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| «ز هر پیشه‌ای انجمن کرد مرد | بدین اندرون پنجه‌ی نیز خور |
| گروهی که آتوربان خوانیش | به رسم پرستندگان دانیش |
| صفی برکشیدند و بنشانند | همی نام، تیش‌تاریان خوانند |
| بسودی سه دیگر گره را شناس | کجا نیست از کس برایشان سپاس |
| چهارم که خوانند اهتوخشی | هم از دست‌ورزان با سرکشی» |
| ۱) جمشید | ۲) فریدون |
| ۳) کیخسرو | ۴) طهمورث |

۲۲- در مصرع اول بیت زیر، چه ویژگی مثبتی برای قهرمان ذکر شده است؟

- «نه کندآوری گیرد از تاج و گنج
همراهی قدرت و ثروت با غرور و شجاعت
- ۱) همراهی قدرت و ثروت با غرور و شجاعت
 - ۲) دلیری و شجاعت در عین داشتن قدرت و ثروت
 - ۳) پهلوانی و دلوری به‌واسطه دوری از قدرت و ثروت
 - ۴) مبتلا نشدن به تکبر و غرور با وجود داشتن قدرت و ثروت

۲۳- در شاهنامه، بیت زیر از زبان کدام شخصیت بیان شده است؟

- «هنر نزد ایرانیان است و بس
ندارند گِردگ ژبان را به کس»
- ۱) سیاوش خطاب به گرسیوز
 - ۲) انوشیروان خطاب به امپراطور روم
 - ۳) رستم فرخزاد خطاب به سعد بن ابی وقاص
 - ۴) بهرام گور در نامه‌اش خطاب به شنگل پادشاه هند

- ۲۴- در ابیات زیر کدام واژه درست معنا شده است؟
- ۱) آنکسه تـدبیر او سـواری کـورد
 - ۲) باغبـانی بایـسد آن بـست را
 - ۳) نباشد کوه را وقت درنگ تو درنگ تو
 - ۴) رادمردان همه با درگهش آموخته‌اند
- ۲۵- معنای صحیح بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟
- «گر چه معمور و خرابش همه مردم دارند
- ۱) اگرچه شهرهای آباد و خراب آن [خراسان] پرجمعیت است اما بی‌خردان فراوانی نزد خردمندان زندگی می‌کنند.
 - ۲) اگرچه آبادی و ویرانی آن [خراسان] به دست مردم است اما در برابر هر خردمندی چندین بی‌خرد وجود دارد.
 - ۳) اگرچه شهرهای آباد و خراب آن [خراسان] خالی از سکنه نیست ولی هر خردمندی می‌داند که جهان خالی از مفسدان نیست.
 - ۴) اگرچه آبادانی و خرابی آن [خراسان]، به‌دست خود مردم است، بر همگان پوشیده نیست که خردمندان در برابر مفسدان هیچ‌کاره‌اند.
- ۲۶- مفهوم کلی بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟
- «غوطه توان داد روز عرض ضمیرش
- ۱) برتری مقام و منزلت ممدوح بر چرخ برین
 - ۲) ترجیح تابناکی ضمیر ممدوح بر تابناکی آفتاب
 - ۳) عرق کردن خورشید از شدت تابش ضمیر ممدوح
 - ۴) شرمساری شاعر در مقایسه ضمیر ممدوح با خورشید تابناک
- ۲۷- در بیت زیر به کدام باور صوفیانه اشاره شده است؟
- «بـود ایـجاد و اعـلام دو عـالم
- ۱) تجدد امثال
 - ۲) تبدیل صفات
 - ۳) حشر پس از مرگ
 - ۴) مقام بقای بعد از فنا
- ۲۸- کدام گزینه از نظر معنی و مفهوم با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟
- ۱) اندرین جای سپنجی چه نهادی دل
 - ۲) چون طمع داری افروختن آتش
 - ۳) تدبیر بکن مباحش عاجز
 - ۴) زین خسان خیره چه جویی چه همی‌دانی
- ۲۹- تعبیر شمس‌الدین محمد لاهیجی از «عدم» در بیت زیر چیست؟
- «عدم آیینـه، عـالم عکـس و انـسان
- ۱) عالم معنا
 - ۲) اعیان ثابت
 - ۳) عالم لاهوت
 - ۴) عالم ملکوت
- ۳۰- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟
- ۱) آن زکال‌آب و سپندی که عرض دفع نکرد
 - ۲) هیکل و نشره و حرزی که اجل بازنداشت
 - ۳) نوشدارو و مفرح که جوی فعل نکرد
 - ۴) رشته پُر گره و مهر تب قرآیان
- بر جهان تجاره توسن (تندباد)
با یکی پاسدار چوبکزن (کوئوال)
جهان هرگز نخواهد تا تو باشی آدرنگ تو (اندوه)
چون بُز رُس که بیاموزد با سبز گیاه (نابالغ)
- بر هر پر خردی نیست که چندین «نیست»
۱) اگرچه شهرهای آباد و خراب آن [خراسان] پرجمعیت است اما بی‌خردان فراوانی نزد خردمندان زندگی می‌کنند.
۲) اگرچه آبادی و ویرانی آن [خراسان] به دست مردم است اما در برابر هر خردمندی چندین بی‌خرد وجود دارد.
۳) اگرچه شهرهای آباد و خراب آن [خراسان] خالی از سکنه نیست ولی هر خردمندی می‌داند که جهان خالی از مفسدان نیست.
۴) اگرچه آبادانی و خرابی آن [خراسان]، به‌دست خود مردم است، بر همگان پوشیده نیست که خردمندان در برابر مفسدان هیچ‌کاره‌اند.
- در عرق آفتاب، چرخ برین را»
۱) برتری مقام و منزلت ممدوح بر چرخ برین
۲) ترجیح تابناکی ضمیر ممدوح بر تابناکی آفتاب
۳) عرق کردن خورشید از شدت تابش ضمیر ممدوح
۴) شرمساری شاعر در مقایسه ضمیر ممدوح با خورشید تابناک
- چو خلق و بعث نفس ابن آدم»
۱) تجدد امثال
۲) تبدیل صفات
۳) حشر پس از مرگ
۴) مقام بقای بعد از فنا
- آب کوی همی ای بیهده در هاون
به شب اندر زان پروانگک روشن
سر خیره مپیچ در قزاگند
که به ترب اندر هرگز نبود روغن
- تعبیر شمس‌الدین محمد لاهیجی از «عدم» در بیت زیر چیست؟
«عدم آیینـه، عـالم عکـس و انـسان
۱) عالم معنا
۲) اعیان ثابت
۳) عالم لاهوت
۴) عالم ملکوت
- هم بدان پیرزن مخرقه‌خر باز دهید
هم به تعویذگر شعوده‌گر باز دهید
هم بدان آسی آسیمه‌نظر باز دهید
هم به قرآ دم تسبیح‌شمر باز دهید

۳۱- تصویر شاعرانه بیت زیر به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟

«کرده در آن خرم فضا، صید گوزنان چند جا

(۱) چون شاخ گوزن بر در تو

(۲) صبح چو پشت پلنگ کرد هوا را دو رنگ

(۳) بس پلنگان گوزن افکن که چون شاخ گوزن

(۴) پیش پیکان دو شاخش از برای سجده‌ای

۳۲- در بیت زیر، «آب زده بودن آسیاب» کنایه از چیست؟

«گر نان طلب کنند در من زنند از آنک

(۱) تعطیل بودن (۲) ویران بودن

۳۳- معنی صحیح بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«حکمت از خبث تو سرود آید

(۱) چون تو باطنی گمراه داشتی سرود و حکمت بر تو خوانده شد و به دلیل رفع جهل تو پیامبر مبعوث شده است.

(۲) تو سرود و آواز را به دلیل خبث باطن حکمت به‌شمار می‌آوری و قرآن و وحی خدا را به واسطه جهل نازل و پست می‌شماری.

(۳) خبث باطن تو باعث می‌شود که حکمت را چون نوا و سرود کم‌اهمیت شماری و جهل تو باعث شده قرآن نزد تو کم‌مقدار به نظر برسد.

(۴) تا باطنی ناپاک داری از حکمت درکی حاصل نخواهی کرد و تا جهل در تو هست هرگز از وحی و قرآن بهره‌ای نمی‌بری.

۳۴- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

(۱) گردن گردن‌ان شکسته به قهر

(۲) کوه در این راه گردنی گردن

(۳) پیش دیوان حکم او جز مرد

(۴) گردن‌انی که با خدای خوشند

۳۵- معنی کلی بیت زیر کدام است؟

«راه به دل شو چو بدیدی خزان

(۱) هنگام خزان در خود تأمل کن چرا که تأمل مایه نشاط دل است و شور جان.

(۲) چون فصل خزان دیدی مهبای مرگ باش تا سختی آن بر تو هموار شود.

(۳) هنگام پیری عشق بورز، زیرا عشق زداینده ضعف و سستی است.

(۴) هنگام پیری شجاع باش، زیرا ترس موجب اضطراب می‌شود.

شاخ گوزن اندر هوا اینک نگون سار آمده»

قامت شده خم غضنفران را

ماه چو شاخ گوزن روی نمود از حجاب

پشت‌خم در خدمت آن شیرمردان دیده‌اند

شیر چون شاخ گوزنان پشت را کردی دو تا

بی‌دانه من آب زده است آسیاب‌شان»

(۳) بی‌آب بودن (۴) آماده کار بودن

نبی از جهل تو فرود آید»

ضعفا را ز لطف داده دو بهر

کبه تواند قفای او خوردن؟

شکر سیلی حق که داند کرد؟

حکم را بختیان بار کشند

کاب به دل می‌شود آتش به جان»

۳۶- کدام بیت درست معنی شده است؟

- (۱) گر جو سنگی نمک خود چشی
(اگر به حقیقت وجودی خود پی ببری از خودپسندان دوری می کنی.)
- (۲) چون فلک از عهد سلیمان بری است
(از عهد سلیمان به بعد پریان مسخر هیچ آدمی نشدند.)
- (۳) نسبت فرزندی اییبات چُست
(هر بیتی بر خلق و خوی آفریننده خود دلالت دارد.)
- (۴) حرف زبان را به قلم بازده
(قلم را بار دیگر سخنور کن و زمین را از نابودی برهان.)

۳۷- مضمون کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- (۱) مرا غلبه تنگ اندر آمد درو
(۲) کند جلوه طاووس صاحب جمال
(۳) چو بر سرنشست از بزرگی غبار
(۴) تازه بهار از ورقست زرد شد

۳۸- ابیات زیر در تبیین کدام مرحله از مراحل سلوک بیان شده است؟

- «هفت دریا یک شَمَر اینجا بود
هفت جَنّت نیز اینجا مرده‌ای است
گر دو عالم شد همه یکبار نیست
گر به یک ره گشت این نه تشت گم

- (۱) حیرت (۲) استغنا (۳) توحید (۴) فقر و فنا

۳۹- در کدام بیت استشهاد به آیه قرآن، به نصّ آیه نزدیک تر است؟

- (۱) باز آمد کای محمد عفو کن
(۲) گرچه آسانت نمود آن سان سخن
(۳) پس دهان دل بیند و مهر کن
(۴) با سیاست‌های جاهل صبر کن

۴۰- ابیات زیر به چه نکته‌ای دلالت دارد؟

- «در شنود گوش تبذیل صفات
ز آتش ار علمت یقین شد از سخن

- (۱) علم اکتسابی و علم لدنی هر دو مهم است.
(۲) صفات و ذات ما، با علم یقینی تغییر می‌یابد.
(۳) علم یقینی منزل پختگی و کمال سالک است.
(۴) علم یقین منزل نهایی نیست باید به حق‌الیقین رسید.

- در عیان دیده‌ها تبذیل ذات
پختگی جو در یقین منزل مکن»

۴۱- نکته مورد نظر مولانا در بیت زیر با کدام گزینه تناسب دارد؟

«جود جمله از عوض‌ها دیدن است پس عوض دیدن ضد ترسیدن است»

- ۱) چون بخشندگان بخشش‌های خود را قضای الهی می‌دانند از بخشیدن هراسی ندارند.
- ۲) مردم اگر بدانند نفس بخشش آن‌ها عین لطف حق است، دیگر ترس آن‌ها از کم شدن مال و ثروت زایل می‌شود.
- ۳) توجه به پاداش الهی بنده را به جود و بخشش متمایل می‌کند از این‌رو دیگر ترس او از کم شدن مال زایل می‌شود.
- ۴) پاداش بخشش‌های بنده همیشه دیده نمی‌شود از این‌رو خداوند شخص بخشنده را به بخشیدن و نترسیدن دعوت می‌کند.

۴۲- مفهوم کلی ابیات زیر چیست؟

«لیک در گه مارهای پُر فَنند و اندرین یم ماهیان پُر فَنند»
«اندرین یم ماهی‌ها می‌کنند مَر را از سحر ماهی می‌کنند»

- ۱) غلبه ظاهری منکران به دستکاری سحر در برابر اولیای حق
- ۲) غلبه باطنی و مغلوبیت ظاهری اولیای الهی برابر منکران
- ۳) تباین سیالیت معرفت باطنی با جمود معرفت ظاهری
- ۴) تقابل قدرت تصرف اولیای الهی با مدعیان معرفت

۴۳- معنای درست بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«گر خطا کشتم دیت بر عاقله است عاقله جانم تو بودی از الست»

- ۱) اگر به غلط مرتکب قتلی شدم، این تقدیری بود که از روز الست تو برایم رقم زدی.
- ۲) اگر سهواً کسی را کشتم، چون تو از روز الست پشتیبانم بوده‌ای، دیه گناهم را بپرداز.
- ۳) اگر به سفاهت قتلی مرتکب شدم دیه آن بر خویشان است که تو مرا در ازل به آن‌ها پیوند داده‌ای.
- ۴) اگر به خطا کسی را کشتم بر من خراجی نیست، من از الست مست و مجنون بوده‌ام و دیه بر مجنون روا نیست.

۴۴- حافظ کدام مصرع را از غزل سعدی تضمین کرده است؟

«جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب»
«تا به بویست ز لحد رقص کنان برخیزم»
«که این عجز عروس هزار داماد است»
مرا ز حال تو با حال خویش پروا نه

۴۵- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

۱) سیر انجام در آئینه آغاز خوش است
۲) تا چند در این دایره همچون خط پرگار
۳) ساقی ما در مرّوت هیچ خودداری نکرد
۴) هر که دانست سرانجام حیات است فنا

۴۶- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

۱) نیرنگ چرخ چون گل رعنا در این چمن
۲) خمار زردرویی داشت در پی چون گل رعنا
۳) چون گل رعنا درون خویش اندودم به خون
۴) ز می بگذر که باشد در قفا همچون گل رعنا

خون دل از پیاله زر می‌دهد مرا
اگر رنگی به رویم از شراب لاله‌گون آمد
تا در این بستان سرا رنگ خزانی شد ز من
خمار زردرویی باده‌های ارغوانی را

۴۷- مفهوم کدام عبارت درست بیان شده است؟

- ۱) اگر چه در عمل پادشاه فربه شوی، خویشتن لاغر نمای. (بیشتر از آن مباش که می‌نمایی.)
- ۲) اگر از نیک، نکوهیده باشی، بهتر که از بد، ستوده شوی. (به قدح و مدح مردم دل نباید داد.)
- ۳) هر که از کسی فربه شود زودتر گشتن از وی چشم باید داشتن. (لطف زیاد را خطرها در پی است.)
- ۴) و به هر محقری، مزوری مکن تا روزی که به کارت آید، منفعت بزرگ بود. (خود را ارزان فروختن خطاست.)

۴۸- عبارت زیر در چهار مقاله در وصف چه کسی بیان شده است؟

«وزیر شهنشاہ بود و در فضیلت ترسل و شعر کمالی داشت و مردی عدلی مذهب بود، عدلی‌مذهبان به غایت متنسک و متقی باشند.»

- ۱) ابوالحسن السرخسی البهرامی
- ۲) صاحب بن عبّاد رازی
- ۳) ابن عمید کاتب
- ۴) ابوحنیفہ اسکافی

۴۹- معنی درست عبارت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«پیش من باری آن است که ملک روی زمین نخواهم با تبعیت آزاری تا به خون رسد، که پیداست چون مرد بمرد با وی چه همراه خواهد بود.»

- ۱) از نظر من حکومت چنان ارزشی نداشت که شاه به خاطر آن خلق آزاری کرد و در خون خلق افتاد و بعد از مرگ معلوم نیست چه بر او خواهد گذشت.
- ۲) مرا باور این است که گرد دولت نگرדם که زحمتی بزرگ در پی دارد و خون‌ها باید ریخت و چون آدمی بمیرد باید یادافره کار خود ببیند.
- ۳) از نظر من حکومت چنان ارزشی ندارد که پادشاه به خاطر آن خلق آزاری کند و خون‌ها ریزد، چرا که باید پاسخگوی اعمال خود باشد.
- ۴) اعتقاد من آن است که پادشاهی دنیا ارزشی آن ندارد که دیگری بی‌آزاری تا چه رسد به کشتن وی، و آدمی چون بمیرد با خود چه خواهد برد.

۵۰- معنی واژه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«تا برجام بر تملق و زرق مشغول نشوم که به افتعال و شعبده، قضای بازنگردد که گفته‌اند: اذا انتهت المدّة كان الحتف في الحيلة»

- ۱) تا زنده‌ام - دو رنگی - مکر - مرگ
- ۲) تا سرپا هستم - نیرنگ - نامردمی - نابودی
- ۳) تا توانایی دارم - چرب‌زبانی - تسلیم‌شدگی - سقوط
- ۴) تا در این پست و مقام هستم - مال‌پرستی - ظاهرسازی - رهایی

۵۱- درون‌مایه اصلی داستان «زاهد و راسو»ی کلیله و دمنه در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) کسی که بر مراد خود قادر گردد و در حفظ آن اهمال نماید و در سوز ندامت افتد و به غرامت مأخوذ گردد.
- ۲) کسی که دشمنان غالب و خصوم قاهر بدو محیط شوند و مفزع و مهرب از همه جوانب بر او متعذر باشد.
- ۳) کسی که بی‌فکر و رویت خود را در دریای حیرت و ندامت افکند و بسته دام غرامت و پشیمانی گردد.
- ۴) آنکه دل بر استمالت او نیارامد، اگر چه در ملاطفت مبالغت نماید.

۵۲- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟

- ۱) سایه ابر و دوستی اشرا
- ۲) و لایبقی الكثير مع الفساد
- ۳) ستایش دروغ و مال بسیار
- ۴) و الدهر ذو ذول تنقل فی الوری

۵۳- کدام گزینه با مفهوم عبارت زیر متفاوت است؟

«پیش از آن که خصم فرصت چاشت بیابد، برای او شامی گواران سازد.»

- (۱) پیش از آن که اهل بغداد شام خورند وزیر را چاشتی چاشنی بدادند.
- (۲) پیش از آن که تاتار در این دیار بر ما سحر خورد، قصد شام کنید.
- (۳) و قبل آن یبلغَ الكتابُ آجلَهُ اجل در آن حدود تاختن آورد.
- (۴) نغدُ بالحجاج قبل أن یتعشّی بک.

۵۴- عبارت «کلُّ مُجْرٍ فی الخلاءِ یُسْرُ» از مرزبان‌نامه با کدام ضرب‌المثل فارسی مطابقت دارد؟

- (۱) هر که باد کارد طوفان درو کند.
- (۲) هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت.
- (۳) هر که رود چرد و هر که خوابد ببیند.
- (۴) هر که تنها به قاضی رود، راضی برگردد.

۵۵- عبارت «إذا احتاجَ الزَّقُّ إلى الفلکِ فقد هلك» در چه موقعی کاربرد دارد؟

- (۱) آنگاه که بزرگی به فقیری محتاج گردد.
- (۲) آنگاه که فقیری به ثروتمندی محتاج گردد.
- (۳) آنگاه که استادی به شاگردش نیازمند شود.
- (۴) آنگاه که کسی به جای زمین، به آسمان چشم دوزد.

۵۶- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) نافه‌صفت از میان خون جگر، دمی خوش برمی‌آورم.
- (۲) پیوسته پسته‌وار شوربختی خود را به دردخنده پوشیده می‌دارم.
- (۳) از نفثه‌المصدوری که مهجوری بدان راحتی تواند یافت، چاره نیست.
- (۴) از آنین‌المهجوری که رنجور را در شب دیجور هجر بدان شفایی تواند بود، گریز نه.

۵۷- مفهوم کدام گزینه به مفهوم «دست پاک و حقه‌تهی مانده‌ام» نزدیک‌تر است؟

- (۱) به هر قدمی که نه بر جاده قرار زده‌ام.
 - (۲) در کشاکش تغییر احداث افتاده‌ام.
 - (۳) از مئین و ألوف، مانده صفر بر هیچ آمده‌ام.
 - (۴) خاک در چشم آب حیات زده‌ام.
- متن زیر را بخوانید و به پرسش‌های ۵۸-۶۰ پاسخ دهید.

«و چون سلطان در نیشابور حاضر بود و از اطراف اصناف خلیق از قواد و اصحاب حاجات روی به خدمت او نهادند و مهمات و مصالح ایشان را کسی کفایت نمی‌کرد و متحیر و پریشان می‌گشتند. روزی به جمعیت بر در سرای مجیرالملک جمع شدند و غلبه و آواز برداشتند و تشنیه آغاز نهادند. بیرون آمد و روی بدیشان آورد که سخن شما عین صدق است و شکایت بر حق اما من نیز به نزدیک خداوند حصافت معذورم از کار مصلحت قوادگی با مصلحت قواد که روی کارند نمی‌پردازم و از ترتیب ارزاق خراید با تهذیب اوراق خراید نمی‌رسم. چند روز است تا سلطان اشارت فرموده است که چندین پیرایه از جهت مطاربه معدّ کنیم و به هیچ کاری دیگر مشغول نباشیم امتثال امر سلطان واجب است و اسعاف ملتسمات ارباب حوائج لازم. در این گفت و شنید بودند که مبشّران اخوان یعنی یزک پنجاب در رسید مخبر بدانکه لشکر مغول مقدّم ایشان یمه و نوین و سبتای بهادر از آب گذشتند.»

۵۸- با توجه به عبارت فوق، چه خبر تلخی برای سلطان آورده شده است؟

- (۱) عبور لشکر مغول از رود سیحون
- (۲) گذشتن لشکر مغول از رود سند
- (۳) انتخاب نوین و سبتای به فرماندهی لشکر مغول
- (۴) سقوط شهر پنجاب و عبور لشکر مغول از رود سند

۵۹- با توجه به متن، دل‌مشغولی اصلی مجیرالملک در زمان اقامت سلطان در نیشابور چه بود؟

- (۱) تدارک اسباب عیش و عشرت سلطان
- (۲) برطرف کردن نیاز اطرافیان سلطان
- (۳) حفاظت از جان سلطان و اطرافیان او
- (۴) فراهم آوردن سپاه و تدارک جنگ با لشکر مغول

- ۶۰- با توجه به مفهوم کلی متن، اشتغال سلطان به لهو و لعب نشانه چیست؟
- (۱) تجمل‌گرایی سلطان
(۲) سردرگمی و از دست دادن سررشته امور
(۳) فساد اخلاق سلطان و اطرافیان او
(۴) اطمینان خاطر سلطان به پیروزی نهایی بر مغولان
- ۶۱- در عبارت زیر به چه موضوعی تأکید شده است؟
- «... و مَهر از مَهر بود، مَهر آنجا نهند که مَهر در آنجا دارند. ای رضوان، بهشت تو را، ای مالک، دوزخ تو را، ای کروبیان، عرش شما را، ای دل سوخته که بر تو مَهر مَهر است. تو مرا و من تو را.»
- (۱) رازداری نتیجه مهرورزی است.
(۲) دوستداری و رازداری مکمل یکدیگر است.
(۳) مَهر کردن چیزی، نشانه گرمی داشتن آن است.
(۴) مَهر کردن، نشانه رازداری و نگه‌داشتن اسرار است.
- ۶۲- عبارت زیر در نقد چه کسانی است؟
- «فصلی چند از سخنان مصنوع مسجع بی‌معنی یاد گیرند و حکایات انبیاء و مشایخ به عبارت آرند و بعضی سور یا آیات را تفسیر ساخته و با هم تلفیق داده، یاد گیرند و اشعار بر الحان برخوانند و بر عوام فروخوانند.»
- (۱) متکلمان (۲) مذکران (۳) واعظان (۴) قصاصان
- ۶۳- کدام گزینه در باب طبقات اهل فراست درست است؟
- (۱) متوسمان، دانا بوند بر اندرون دل‌ها بی‌دلیل و نشان‌ها و برهان، آنها را به‌کار نیاید.
(۲) متفرسان، دائم به غیب نگرند و از ایشان غایب نباشد و هیچ چیز از آنها پوشیده نبود.
(۳) مستنبطان، به نور خدای بنگرند و آن سواطع انوار بود که در دل بدرخشد، معانی بدان نور ادراک کنند.
(۴) ربانیان، عالمان باشند و حکیمان، اخلاق حق گرفته‌اند به دیدار، و آسوده باشند از خبر دادن از خلق و نگریستن بدیشان.
- ۶۴- کدام آیه قرآن با موضوع غیرت در عرفان مرتبط است؟
- (۱) و لا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ (آیه ۵۲/ انعام)
(۲) قل أَمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ (آیه ۳۳/ اعراف)
(۳) أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (آیه ۶۲/ یونس)
(۴) وَ يُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ (آیه ۹/ حشر)
- ۶۵- عبارت زیر در توصیف کیست؟
- «به وقتِ فتنِ حروبِ امیرالمؤمنین علی (ع) بیامد و به موافقت علی با اعدای وی حرب همی کرد تا روز حرب صفین شهادت یافت.»
- (۱) عمار یاسر (۲) هرم بن حیّان (۳) سعید بن مسیب (۴) اویس قرنی
- ۶۶- با توجه به متن زیر کدام گزینه درست است؟
- «و اما مرید به معنی مُحبّ، سالک مجذوب است و مراد به معنی محبوب، مجذوب سالک که معنی شیخوخت در ایشان منحصر است، چه محبّ آن است که مجاهدت و مکابدتش بر مکاشفت و مشاهدت سابق بود و محبوب آن که حقیقت کشف او بر صورت اجتهاد سابق.»
- (۱) وجود سالک مجذوب به حق است نه به خود.
(۲) مجذوب سالک بر اثر مجاهدت از سیر به طیر می‌رسد.
(۳) مجذوب سالک به یک جذبۀ بساط ادوار مقامات طی کند.
(۴) عبارت «جذبۀ من جذبات الحق توازی من عمل الثقلین» شایسته مقام سلوک مجذوب است.

- ۶۷- عبارت زیر به کدام مقام عرفانی اشاره دارد؟
 «هرگاه که اخلاق نفس مبدل شود و دیو طبیعت مسلمان گردد و به جای متابعت هوا در او مطاوعت خدا پدید آید و بعضی از حظوظ او حقوق گردد»
- (۱) مقام سعت (۲) مقام تسلیم (۳) مقام مشاهده (۴) مقام رضا
- ۶۸- کدام گزینه نادرست معنی شده است؟
 (۱) تفویض: دست برداشتن از حظ نفس
 (۲) خمود: ذهاب حرکت و دعوی از سالک
 (۳) جُوداب: واردی که دل سوی حق سوق دهد.
 (۴) خطرات: دوای که سالک به سوی حق خواند به قوت
- ۶۹- کدام گزینه شامل زبان‌های ایرانی باستان است؟
 (۱) سغدی - اوستایی - سکائی - ختنی
 (۲) مادی - سکائی - پارسی - اوستایی
 (۳) سکائی - مادی - سغدی - اوستایی
 (۴) سغدی - سکائی - اوستایی - خوارزمی
- ۷۰- قید مؤول در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟
 (۱) من با تو نیامدم که صحرا بینم
 (۲) جان بر کف دست آمده تا روی تو بیند
 (۳) چنان قحط‌سالی شد اندر دمشق
 (۴) به کوی میکده گریان و سرفکنده روم
- ۷۱- از نظر کاربرد صفت و موصوف، کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟
 (۱) اینجا شکری هست که چندین مگس‌اند
 (۲) امروز غره‌ای به فصاحت که در حدیث
 (۳) این دو سه یاران که ترا رهبرند
 (۴) هزار جهد بکردم که سر عشق بیوشم
- ۷۲- کدام گزینه در باب دستگاه نظری سوسور درست است؟
 (۱) کلیت نظام زبان بر مبنای کوچک‌ترین تفاوت‌هاست و رابطه میان دال و مدلول «اختیاری» است.
 (۲) سوسور برخلاف زبان‌شناسان سلف اروپایی مطالعه در زمانی را جایگزین رویکرد غیرتاریخی کرد.
 (۳) در دیدگاه سوسور، زبان، نظامی از نشانه‌های «قراردادی» است که با آگاهی جمعی بر ساخته می‌شود.
 (۴) براساس دیدگاه سوسور، اصل «تفاوت»، نشانه‌های یک زبان را می‌سازد ولی تأثیری در معنای آن ندارد.
- ۷۳- کدام گزینه معرف ساختار غالب مقامات حمیدالدین بلخی است؟
 (۱) مقدمه، اسناد، بدنه اصلی، تخلص، شعر پایانی، خاتمه
 (۲) اسناد، مقدمه، تخلص، بدنه اصلی، خاتمه، شعر پایانی
 (۳) اسناد، مقدمه، بدنه اصلی، تخلص، خاتمه، شعر پایانی
 (۴) مقدمه، اسناد، تخلص، بازشناسی، بدنه اصلی، خاتمه
- ۷۴- کدام گزینه در باب مکتب وقوع درست است؟
 (۱) شعر این مکتب سوز و سازی دارد و جوان‌پسند و عوام‌خوان است.
 (۲) شعر وقوع، عموماً برون‌گراست و منطبق با اوضاع اجتماعی سده نهم و دهم است.
 (۳) شعر وقوع از نظر رعایت مسائل بدیعی و بیانی همان دقت نظرهای سبک عراقی را دارد.
 (۴) شعر وقوع، همچون سبک هندی مضامین نامحدود و متکثری را در حد مصرع و بیت منعکس می‌کند.

- ۷۵- تذکره‌نویسان عهد صفوی کدام مورد را واژگون کردن و بی‌معنا ساختن سخن می‌دانند؟
 (۱) طرز تازه (۲) طرز تزریق (۳) طرز اهل هند (۴) طرز جمهور
- ۷۶- کدام اثر تحت تأثیر منطق الطیر عطار تألیف شده است؟
 (۱) رساله‌الطیور نجم‌الدین رازی
 (۲) روضة‌الفریقین ابوالرجا چاچی
 (۳) بحرالفوائد از نویسنده‌ای گمنام در قرن ششم
 (۴) کشف‌الاسرار عن حکم الطیور و الازهار عزالدین مقدسی
- ۷۷- کدام گزینه دربارهٔ مثنوی «حملة راجی» درست است؟
 (۱) «حملة راجی» را شیخ احمد ادیب متخلص به راجی در شرح زندگی و جنگ‌های نادرشاه افشار سرود.
 (۲) «حملة راجی» را شهاب ترشیزی متخلص به راجی در شرح زندگی و جنگ‌های یکی از مهاراجه‌های هند سرود.
 (۳) «حملة راجی» را ملابمان علی متخلص به راجی در شرح زندگی و جنگ‌های رسول اکرم (ص) و خانوادهٔ ایشان سرود.
 (۴) «حملة راجی» را باذل مشهدی متخلص به راجی در شرح زندگی و جنگ‌های حضرت علی (ع) سروده این منظومه به «حملة حیدری» هم مشهور است.
- ۷۸- کدام گزینه دربارهٔ «غزلان الهند» درست است؟
 (۱) ترجمه بخش‌هایی از ضوء‌الدراری و تألیف خان آرزو است.
 (۲) ترجمه بخش‌هایی از سبحة‌المرجان و تألیف خان آرزو است.
 (۳) ترجمه بخش‌هایی از ضوء‌الدراری و تألیف آزاد بلگرامی است.
 (۴) ترجمه بخش‌هایی از سبحة‌المرجان و تألیف آزاد بلگرامی است.
- ۷۹- ابوالفضل بیهقی در تدوین باب خوارزم در کتاب تاریخ خود از یادداشت‌های چه کسی استفاده کرده است؟
 (۱) عبدالحی گردیزی (۲) ابوریحان بیرونی
 (۳) احمدحسن میمنندی (۴) ابونصر مشکان
- ۸۰- جریان اقلیمی - روستایی در رمان نویسی معاصر از چه دوره‌ای و چرا آغاز شد؟
 (۱) از ۱۳۳۰ به بعد و ایجاد دوره خفقان سیاسی
 (۲) از ۱۳۰۰ به بعد و ورود ایران به دوران مدرنیته
 (۳) از ۱۳۲۰ به بعد و ایجاد آزادی‌های نسبی سیاسی
 (۴) از ۱۳۴۰ به بعد و ایجاد جنبش‌های سیاسی و اجتماعی
- ۸۱- کدام داستان‌ها همسو با گرایش ملی و وطن‌پرستانهٔ رضاخان نوشته شده است؟
 (۱) «شاهکار» از جمال‌زاده و «هما» از محمد حجازی
 (۲) «جادو» از علی دشتی و «بابک خرم‌دین» از سعید نفیسی
 (۳) «عشق و سلطنت» از میرزا باقر خسروی و «داستان باستان» از میرزا حسن بدیع
 (۴) «دیو - دیو» از بزرگ علوی و «پروین دختر ساسان» و «سایهٔ مغول» از صادق هدایت
- ۸۲- نخستین تجربه شعر منثور فارسی از آن کیست و اثر معروف وی چیست؟
 (۱) یدالله رؤیایی - دریایی‌ها
 (۲) محمد مقدم - راز نیمه شب
 (۳) احمد شاملو - آهن‌ها و احساس
 (۴) هوشنگ ایرانی - بنفش تند خاکستری

۸۳- بحر عروضی کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟

- (۱) از این زنجیریان یک تن زنش را در تب تاریک بهتانی به ضرب دشنه‌ای کشته است.
- (۲) اما ز پس غبارکی می‌گوید: / نه برق نگاه خادعانه ره می‌جوید؟
- (۳) در گردش موج تیره حتی ماهی / یاقوت شود تنش یکسر
- (۴) و آن بسته درها را نشانم می‌دهد با مهر و موم پنجه خونین

۸۴- وزن عروضی کدام گزینه «مضارع مسدس اخر ب مکفوف محذوف» است؟

- (۱) افتاده ایام سخت به دام
 - (۲) وان بخششی که بر دو عالم شد
 - (۳) ای سرد و گرم دهر کشیده
 - (۴) ای کرده گرد ماه ز شب خرمن
- در چنگ ایمن گروه لئام
انده نصیب گوهر آدم شد
شیرین و تلخ دهر چشیده
گریان ز حسرت تو چو باران من

۸۵- عیب قافیه در کدام گزینه درست معین شده است؟

- (۱) در این زمانه بتی نیست از تو نیکوتر
 - (۲) در من این هست که صبرم ز نکورویان نیست
 - (۳) از غصه هجران تو دل پر دارم
 - (۴) کنی ناخوش به ما بر زندگانی
- نه بر تو بر شمنی از رهیت مشفق‌تر (ایطاء جلی)
از گل و لاله گریز است و ز گل‌رویان نیست (شایگان)
پیوسته از آن دیده به خون تر دارم (اکفا)
اگر از ما دمی دوری گزینی (اقوا)

۸۶- در کدام گزینه «قصر تعیین» به کار رفته است؟

- (۱) نبینی جز مرا نظمی محقق
 - (۲) من نکردم امر تا سودی کنم
 - (۳) تنهانه ز راز دل من پرده بر افتاد
 - (۴) نه من سیوکش این دیر رندسوزم و بس
- نیایی جز مرا نثری مبرهن
بلکه تا بر بندگان جودی کنم
تا بود فلک شیوه او پرده‌داری بود
بسا سرا که در این کارخانه سنگ و سیوست

۸۷- در کدام گزینه نوع خبر بنا بر حال مخاطب درست بیان شده است؟

- (۱) اگر نه به یزدان که تا بوده‌ام
 - (۲) در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن
 - (۳) جهان و کار جهان جمله هیچ بر هیچ است
 - (۴) حلقه پیرمغان از ازلیم در گوش است
- به می دامن لب نیالوده‌ام (خبر طلبی)
من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود (خبر مؤکد)
هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق (خبر انکاری)
بر همانیم که بودیم و همان خواهد بود (خبر ابتدایی)

۸۸- غرض ثانویه جملات استفهامی در عبارت زیر چیست؟

دیوار چیست؟ / آیا به جز دو پنجره روبروی هم / اما بی پنجره؟

- (۱) بیان تردید
- (۲) دعوت به تأمل شنونده
- (۳) تذکر و هشدار به مخاطب
- (۴) تجاهل گوینده از امر بدیهی

۸۹- در بیت زیر کدام صنعت بدیعی دیده می‌شود؟

«فلک در سندس نیلی هوا در چادر کحلی

- (۱) تدیج
 - (۲) استتباع
 - (۳) توجیه
 - (۴) استدراک
- زمین در فرش زنگاری گه اندر حله خضرا»

- ۹۰- در کدام بیت «ایهام ذو وجوه» دیده می‌شود؟
- (۱) بکن معامله‌ای وین دل شکسته بخر
(۲) به تنگ‌چشمی آن ترک لشکری نازم
(۳) درویش را نباشد برگ برای سلطان
(۴) آشنایی نه غریب است که دلسوز من است
- ۹۱- کلمه «نرگس» در کدام بیت «استعاره محتمله» است؟
- (۱) نرگش عربده‌جوی و لبش افسون‌کنان
(۲) کس به دور نرگست طرفی نبست از عافیت
(۳) نرگس طلبد شیوه چشم تو زهی چشم
(۴) ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
- ۹۲- در بیت‌های زیر نوع کنایه قسمت‌های مشخص شده به ترتیب کدام است؟
- «یتیمی که ناکرده قرآن درست
بجز سنگدل ناکند معده سنگ
سیاه‌نامه‌تر از خود کسی نمی‌بینم»
- (۱) موصوف - صفت - موصوف
(۲) فعل - موصوف - صفت
(۳) صفت - فعل - موصوف
(۴) موصوف - فعل - صفت
- ۹۳- در بیت زیر کدام صنعت ادبی دیده می‌شود؟
- «به یک بوی از ارم صد در گشاده»
- (۱) تشبیه مرکب
(۲) تشبیه تمثیل
(۳) تشبیه تفضیل
(۴) تشبیه تسویه یا مزدوج
- ۹۴- نوع علاقه مجاز در کلمه «پیری» در بیت زیر چیست؟
- «ما عیب و نقص خویش و جمال و کمال غیر»
- (۱) بدلیت
(۲) مجاورت
(۳) ملازمت
(۴) علیت
- ۹۵- در شعر زیر نوع استعاره «دیوار سرد سنگی سیار» چیست؟
- «باری این حرف‌های داغ دلم را / دیوار هم توان شنیدن نداشته است / آیا تو را توان شنیدن هست / دیوار! / دیوار سرد سنگی سیار!»
- (۱) استعاره مصرّحه مجردة مرشّحه
(۲) استعاره مصرّحه مرشّحه
(۳) استعاره مکنیه تخیلیّه
(۴) استعاره مصرّحه مجردة
- ۹۶- در عبارت زیر کدام واژه در معنی مجازی به کار رفته است؟
- «پس آن ارواح که در صف اول بودند، در مقام بی‌واسطگی از نظرهای خاص حق تعالی پرورش و استعداد آن یافته بودند که در طلسم‌گشایی عالم صورت، آدم وقت خویش باشند، آن‌گه خلائق به واسطه هدایت ایشان طلسم گشودن درآموزند.»
- (۱) ارواح، به علاقه ملازمت
(۲) آدم، به علاقه خاص و عام
(۳) صف اول به علاقه جزء و کل
(۴) خلائق، به علاقه فاعلیت
- که با شکستگی ارزد به صد هزار درست
که حمله بر من درویش یک‌قبا آورد
ماییم و کهنه‌دلقی ک‌آتش در آن توان زد
چون من از خویش برفتم دل بیگانه بسوخت
- نیم‌شب دوش به بالین من آمد بنشست
به که نفروشد مستوری به مستان شما
مسکین خبرش از سر و در دیده حیا نیست
چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد
- کتب‌خانه هفت ملت بشست
چو بیند کسان بر شکم بسته سنگ
چگونه چون قلمم دود دل به سر نرود»
- بسه دو رخ ماه را دو رخ نهاده»
- پنهان نموده‌ایم چو پیری پس خضاب»
- در مقام بی‌واسطگی از نظرهای خاص حق تعالی پرورش و استعداد آن یافته بودند که در طلسم‌گشایی عالم صورت، آدم وقت خویش باشند، آن‌گه خلائق به واسطه هدایت ایشان طلسم گشودن درآموزند.»

۹۷- عبارت زیر معرف کدام مکتب انتقادی است؟

«این مکتب مانند سایر شعب ساختگرایی و امدار نظریه سوسور درباره زبان است اما به ایده نظام نشانه‌ای گستره‌ای وسیع می‌بخشد و آن را از قلمرو زبان‌شناسی به مطالعه فرهنگ‌هایی بسط می‌دهد که از دیدگاه غربی «بدوی» تلقی می‌شوند.»

- (۱) پساساخت‌گرایی
(۲) مطالعات فرهنگی
(۳) نشانه‌شناسی فرهنگی
(۴) انسان‌شناسی ساخت‌گرا

۹۸- در جاهای خالی عبارت زیر کدام اصطلاحات کلیدی قرار می‌گیرد؟

«هژمونی مجموعه‌ای از عقاید و ارزش‌های حاکم است که به‌جای استفاده از از طریق استیلا می‌یابد.»

- (۱) سلطه سخت‌افزاری - قدرت نرم
(۲) قدرت نرم - سلطه سخت‌افزاری
(۳) قدرت سرکوبگر - رضایتمندی
(۴) رضایتمندی - قدرت سرکوبگر

۹۹- کدام گزینه در باب کارکرد «ایدئولوژی» از نظر آلتوسر درست است؟

- (۱) ایدئولوژی، در کلیت خود روابط واقعی افراد را با یکدیگر در نظام مناسبات آن‌ها بازتاب می‌کند.
(۲) ایدئولوژی همواره از افراد سوژه‌های متعینی می‌سازد که از درک واقعیت وجودی خود سرباز می‌زنند.
(۳) ایدئولوژی، در یک دستگاه ایدئولوژیک کاملاً غیرمادی و انتزاعی موجودیت می‌یابد و رفتار و مناسبات افراد را هدایت می‌کند.

(۴) ایدئولوژی باعث می‌شود افراد زندگی خود را به سبک خاصی تجربه کنند و بعد فکر کنند که این شیوه طبیعی درک خود و جهان است.

۱۰۰- عبارت زیر مطابق نظریه رمزگان رولان بارت از کدام نوع رمزگان به‌شمار می‌آید؟

«سید میران ذاتاً خوش‌معاشرت و مهمان‌دوست بود. روزها در قهوه‌خانه‌ها و در برخوردهای جمعی که خرجی پیش می‌آمد، اولین کسی بود که دستش در جیبش می‌رفت.»

- (۱) کنشی
(۲) فرهنگی
(۳) هرمنوتیک
(۴) نمادین

